

بررسی عوامل مؤثر بر دسترسی زنان روستایی به خدمات آموزشی - ترویجی
(مطالعه موردی استان گلستان)

**Effective Factors on Rural Women's Access to Extension- Education Services
(A Case Study in Golestan Province)**

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر میزان دسترسی زنان روستایی به خدمات آموزشی - ترویجی است. این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. ابزار تحقیق پرسشنامه است که روایی و پایایی آن با استفاده از نظرات متخصصان و آزمون آلفای کرونباخ ($0.73 < \alpha < 0.85$) مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل ۴۳۶۳۸۵ نفر از زنان روستایی استان گلستان است ($N=436385$) که ۳۲۴ نفر به عنوان نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای تناسبی انتخاب شدند ($n=324$). نتایج توصیفی تحقیق نشان دادند که میزان دسترسی اکثریت زنان روستایی استان گلستان به خدمات آموزشی - ترویجی در سطح خوب است. نتایج یافته های تحلیلی نیز نشان دادند که رابطه معنی داری بین برخی از ویژگی های فردی، حرفه ای، آموزشی و اجتماعی پاسخگویان با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی - ترویجی وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نیز نشان دادند که میزان مشارکت اجتماعی، میزان نگرش نسبت به خدمات آموزشی - ترویجی، سطح تحصیلات، میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و تعداد اعضای خانواده ۳۴/۸۰ درصد از تغییرات میزان دسترسی زنان روستایی به خدمات آموزشی - ترویجی را تبیین می کنند.

Abstract

The purpose of this research was to identify effective factors on rural women's access to extension- education services. The research design was descriptive-analyzed. Instrument validity was established by a panel of experts and its reliability was confirmed by Cronbach alpha coefficient ($0.73 < \alpha < 0.85$). The statistical population was all rural women in Golestan province, ($N=436385$). According to Krejcie and Morgan's table, 324 persons was chosen as sample by using stratified sampling and ($n=324$). The descriptive result of research indicated that majority of respondents stated the amount of access to extension-education services was at good level. The other results showed there were statistical relationships between selected individual, professional, social and educational variables with the amount of their access to extension-education services. The results of the bivariate regression revealed that 34.80 % of variation of the amount of rural women's access to extension- education services stemmed these six variables

namely the amount of social participation, the attitude toward extension-education services, educational level, the amount of using group media, and family size, respectively.

واژگان کلیدی: دسترسی، خدمات آموزشی - ترویجی، زنان روستایی، استان گلستان.

Key Words: Access, Extension-Education Services, Rural Women, Golestan Province.

مقدمه

در سال های اخیر زنان با داشتن نقش کلیدی در نظام اقتصادی - اجتماعی جایگاه ویژه ای در ادبیات و برنامه های توسعه به دست آورده اند. طبق تعاریف جدید، توسعه جریانی چند بعدی تلقی می شود که صرفاً در پی رشد اقتصادی نبوده بلکه به دنبال تعالی بخشیدن به انسانها است. با در نظر گرفتن انسان به عنوان نقطه شروع تغییر در نظریه های توسعه، خود به خود نقش زنان که نیمی از نیروی فعال جامعه بوده و باید سهم مادی و معنوی مناسب با نقششان در برنامه های توسعه داشته باشند بیش از پیش مشهود می گردد به خصوص زنان روستایی که به عنوان عناصر نامرئی و نامشهود در اقتصاد کشاورزی بخش عظیمی از نیروی انسانی در جهان و ایران را تشکیل می دهند (ارجلو، ۱۳۸۴). بر طبق آمارهای موجود، زنان حدود نیمی از جمعیت روستا را به خود اختصاص داده اند و ۶۷ درصد ساعت کار جهان متعلق به آنها است (جمشیدی، ۱۳۸۱). نقش زنان روستایی در توسعه روستا نیز غیر قابل انکار است. آنان مدیران اقتصادی خانواده می باشند که بیشترین نیروی کار بعد از برداشت را تشکیل داده و مهمتر اینکه مدیران نظام تربیتی خانواده محسوب می شوند که در تربیت نسل آینده و انتقال هنجارها و ارزش ها نقش بسیار مهمی ایفاء می کنند (عمادی و عباسی، ۱۳۸۵).

زنان روستایی بطور معمول همه عمر خود را در روستا می گذرانند و نسبت به مردان کمتر بدنبال تغییر شغل و یا محل سکونت خود هستند. زنان روستایی می بایست همواره خود را با تغییر و تحولات روستا هماهنگ سازند، بنابراین هرگونه تحول در محیط اجتماعی روستا طبعاً بر رفتار آنها تاثیر گذار می باشد (بوذری، ۱۳۸۰). امروزه دیگر زنان به عنوان دریافت کنندگان منفعل کمک شناخته نمی شوند بلکه آنها عاملین فعال اجتماعی برای تغییر در زندگی محسوب می شوند (غفاری، ۲۰۰۵). این بدان معنا است که این قشر باید جز مخاطبین نظام ترویج کشاورزی و گروههای هدف برنامه های توسعه روستایی قرار گیرند. این حق طبیعی زنان روستایی است که در تعیین سرنوشت و محیط مورد اشتغال خود مشارکت فعالانه داشته باشند (بوذری، ۱۳۸۰). اگر چه زنان کمک عمده ای به تولید مواد غذایی در سطح جهان معمول می دارند. اما به ندرت از خدمات ترویجی سود می برند. تماس ناچیز آنان با موسسات ارائه کننده خدمات ترویجی باعث گردیده تا مسایل آنان به ندرت در نظام ترویج منعکس شود، بطوریکه تنها ۵ درصد از منابع جهانی ترویج به زنان اختصاص یافته است. در ایران نیز زنان روستایی کشورمان تنها از ۵ درصد منافع خدمات ترویج کشاورزی منتفع شده و فقط ۴/۱ درصد

از مخاطبان نظام ترویج را تشکیل می دهند (مرید سادات، ۱۳۸۵). آمتا و همکاران (۲۰۱۱) درباب علت این موضوع عرضه کم محصولات و بسته های آموزشی مرتبط با زنان، هزینه های بالای تکنولوژی، در دسترس نبودن به موقع داده ها، آگاهی اندک از توصیه های فنی و کم سواد زنان روستایی را بیان می دارند. این وضعیت در حالی است که کرباسیون و همکاران (۲۰۰۷) اظهار می دارند که یکی از وظایف مهم هر نظام ترویج کشاورزی توسعه منابع انسانی و امکان استفاده از خدمات ترویجی برای گروه های با دسترسی کمتر همچون زنان و جوانان روستایی از طریق آموزش های رسمی و یا آموزش های حرفه ای و محلی است. از طرفی، عدم شناسایی و ارزش ندادن به کار زنان و پایین بودن موقعیت آنها در خانواده بر تصور زنان از خود و کارشان اثر منفی گذاشته است. بطوریکه بعضی زنان مکانیک هستند، مسئول بهداشت مزرعه اند، کار خرید و فروش را برعهده دارند ولی به تمامی این کارها لقب کمک به شوهر را می دهند و نقش اصلی خود را در کار خانه داری می بینند (دان و ماری، ۱۹۹۹). روزی طلب (۱۳۷۶) اظهار می دارد که مرد بودن آموزشگران برگزار کننده کلاس یکی از موانع دستیابی زنان به خدمات ترویجی است. در واقع حضور آموزشگران مرد در روستا باعث نگرانی والدین و همسران در مورد مسایل اخلاقی و امنیتی دختران و زنان می شود و این امر حضور زنان در کلاس های ترویجی را کاهش می دهد. گل محمدی و همکاران (۱۳۸۷) اظهار می دارند که خدمات ترویج کشاورزی تنها زمانی برای زنان روستایی سودمند واقع می شود که با نیازهای آنها هماهنگ طراحی شود. حسینی و همکاران (۲۰۰۹) نیز در تحقیقی در سه استان شمالی گیلان، مازندران و گلستان نشان می دهند که تماس با کارشناسان کشاورزی اصلی ترین عامل مؤثر بر دسترسی زنان به خدمات ترویجی است. آنان در ادامه بیان می کنند که بستگان و فامیل منبع اصلی برای کسب اطلاعات زنان روستایی در نوآوری هستند. شعبانعلی فمی (۲۰۰۶) در تحقیقی که در منطقه تفرش انجام دادند نشان می دهند که همبستگی معنی داری بین ۱۶ عامل فردی اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی، ارتباطی و تغذیه ای زنان روستایی با میزان مشارکت آنها در فعالیت های ترویجی وجود دارد. تحقیقات آنان نشان می دهد که ۴۸ درصد تغییرات در میزان مشارکت زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی بوسیله سه متغیر وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و زمان صرف شده در دامداری تبیین می شود. بدرقه و عابدی (۲۰۱۱) اظهار می دارند که هر چند در سال های اخیر زنان در مدیریت روستایی، سازمان های فرهنگی اجتماعی، شرکت های تعاونی و مؤسسات خصوصی نقش داشته اند اما برخورداری از سطح سواد پایتتر، آموزش، درآمد و موقعیت اجتماعی پایتتر نسبت به زنان شهری باعث شده است آنها همواره سهم کمتری از مدیریت و مشاغل اداری و دولتی دارا باشند. آنان دلایل عمده ای که زنان روستایی را از مشارکت و بهره مندی از خدمات ترویجی منع می کند را شامل عوامل فردی مانند سطح سواد پایین، شاخص سلامت پایین، فقر خانواده حجم بالای کار در خارج و داخل خانه، بار مسئولیت زیاد به دلایلی

همچون مهاجرت فصلی مردان روستایی، بچه داری، خانه داری، پرورش دام و طیور، دستیاری کشاورزی و عوامل اجتماعی مانند ساختار سنتی روستا، نگرش منفی نسبت به توانایی زنان، مخافت پدر یا همسر با مشارکت زنان، مرد بودن مروجان کشاورزی می دانند. بررسی تدقیقی این تحقیقات نشان می دهند که (۱) عوامل فردی مانند سطح تحصیلات (بامبرگر و بلاکدن، ۱۹۹۸؛ شعبانعلی فمی، ۲۰۰۶؛ بدرقه و عابدی، ۲۰۱۱؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱؛ غفاری، ۲۰۰۵)، میزان نگرش نسبت به خدمات آموزشی- ترویجی (شعبانعلی فمی، ۱۳۷۲؛ بامبرگر و بلاکدن، ۱۹۹۸؛ گریگوری بوث و همکاران، ۲۰۰۰؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱؛ جیگانز و سامانتا، ۲۰۰۰) و تعداد اعضای خانواده (اسماعیل، ۱۹۹۵؛ بامبرگر و بلاکدن، ۱۹۹۸؛ شعبانعلی فمی، ۲۰۰۶؛ بدرقه و عابدی، ۲۰۱۱؛ ۲) عوامل اجتماعی مانند میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی (منفرد، ۱۳۷۴؛ حسینی و همکاران، ۲۰۰۳)، میزان مشارکت اجتماعی (شعبانعلی فمی، ۱۳۷۲؛ بدرقه و عابدی، ۲۰۱۱؛ روزی طلب، ۱۳۷۶؛ اسماعیل، ۱۹۹۵؛ حسینی و همکاران، ۲۰۰۳؛ صدف و همکاران، ۲۰۰۵؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱؛ ۳) عوامل اقتصادی مانند دسترسی به اعتبارات بانکی (بامبرگر و بلاکدن، ۱۹۹۸؛ فردوسی و همکاران، ۲۰۱۱) و (۴) میزان کیفیت خدمات آموزشی- ترویجی (منفرد، ۱۳۷۴؛ روزی طلب، ۱۳۷۶؛ گل محمدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ صدف و همکاران، ۲۰۰۵؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱؛ غفاری، ۲۰۰۵) بر میزان دسترسی زنان روستایی به خدمات آموزشی- ترویجی تأثیر دارند.

با توجه به اهمیت دسترسی زنان روستایی به خدمات ترویجی این تحقیق با هدف کلی بررسی عوامل مؤثر بر میزان دسترسی زنان روستایی استان گلستان به خدمات آموزشی- ترویجی به مرحله طراحی و اجرا درآمد. از اهداف اختصاصی مهم این تحقیق می توان به شناسایی موانع و مشکلات زنان روستایی برای دسترسی به خدمات آموزشی- ترویجی و ارزیابی میزان رضایت زنان روستایی از اجرای دوره های آموزشی- ترویجی برگزار شده است.

مواد و روش ها

در این تحقیق از روش تحقیق پیمایشی و از نوع توصیفی- تحلیلی استفاده شده است زیرا از یک سو به توصیف آماره ها می پردازد و از سوی دیگر، میزان و نوع رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را بررسی می نماید. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل ۴۳۶۳۸۵ نفر از زنان روستائی استان گلستان در سال ۱۳۹۲ می باشد (N=۴۳۶۳۸۵) که از این میان، تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای تناسبی به عنوان نمونه آماری (احتساب ۱۳ شهرستان به عنوان طبقات نمونه گیری) با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) انتخاب

شدند که در نهایت ۳۲۴ پرسشنامه جمع آوری و مورد تحلیل قرار گرفت (n=۳۲۴). شایان توجه است که منظور از زنان روستایی در این تحقیق کلیه زنان ساکن در روستا اعم از همسر و یا دختر کشاورز می باشند که به نوعی با فعالیت های کشاورزی در ارتباط هستند.

جهت گردآوری داده ها و اطلاعات موردنظر، پرسشنامه ای سه بخشی براساس مرور ادبیاتی پژوهش و نظرخواهی از صاحب نظران این حوزه تهیه شد. بخش اول به بررسی میزان دسترسی به خدمات آموزشی (۶ گویه) و ترویجی (۶ گویه) با استفاده از طیف لیکرت پنج قسمتی از هیچ تا خیلی زیاد می پرداخت. بخش دوم به سنجش ویژگی های روانشناختی (۳ گویه)، کیفیت خدمات آموزشی - ترویجی (۷ گویه)، نگرش نسبت به خدمات آموزشی - ترویجی (۳ گویه)، مشارکت اجتماعی (۸ گویه)، استفاده از رسانه های ارتباط جمعی (۶ گویه) و مسائل و مشکلات پاسخگویان در دسترسی به خدمات آموزشی - ترویجی (۱۳ گویه) در قالب طیف لیکرت پنج قسمتی از هیچ تا خیلی زیاد (به استثنای بخش نگرش که از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم بود) اختصاص داشت. بخش پایانی نیز به بررسی ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخگویان در قالب سن، سطح تحصیلات، فاصله محل سکونت تا نزدیکترین مرکز خدمات کشاورزی، تعداد اعضای خانواده، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، استفاده از تسهیلات بانکی و وضعیت مالکیت زمین می پرداخت. جهت تعیین روایی پرسشنامه، چندین نسخه از آن در اختیار گروهی از متخصصان شامل از استادان گروه کشاورزی دانشگاه های آزاد اسلامی و پیام نور و همچنین تعدادی از کارشناسان ترویج زنان استان گلستان قرار داده شد و اصلاحات لازم بر حسب پیشنهادهای آنها صورت گرفت. جهت تعیین ضریب اعتبار، تعداد ۳۰ پرسشنامه، خارج از پاسخگویان جامعه آماری (استان خراسان شمالی) توزیع گردید. داده ها پس از جمع آوری پرسشنامه های مذکور وارد کامپیوتر شد و اعتبار پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۵ به دست آمد.

در این تحقیق به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی (SPSS V. 16) استفاده شده است. برای دستیابی به اطلاعات آمار توصیفی (فراوانی، درصد، کمینه، بیشینه، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات) و استنباطی (ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آزمون های مقایسه ای تی استیودنت و فیشر، و تحلیل رگرسیون چندگانه) بکار رفته است. به منظور توصیف کیفی متغیر دسترسی به خدمات آموزشی - ترویجی از روش فاصله انحراف معیار از میانگین^۱ استفاده شده است (صدیقی و احمد پور، ۱۳۸۴). در این روش نحوه تبدیل امتیازات کسب شده به چهار سطح ذیل برآورد می شود:

A < Mean - Sd : ضعیف = A

Mean - Sd < B < Mean : متوسط = B

^۱ Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM)

C=Mean<C<Mean+Sd :خوب

D=Mean+Sd<D :عالی

در روابط فوق، میانگین = Mean و انحراف معیار = Sd است.

یافته ها

ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخگویان

جدول شماره (۱) ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخگویان را نشان می دهد. نتایج این جدول نشان می دهند که میانگین سن پاسخگویان ۳۴ سال با انحراف معیار ۱۱ است که کمتر از نیمی از آنان (۱۳۱ یا ۴۰/۲۰٪) در گروه سنی ۴۰-۳۱ سال قرار دارند. میانگین تعداد اعضای خانواده پاسخگویان ۴ نفر با انحراف معیار ۲ نفر است که بیش از نیمی از آنان (۲۱۶ نفر یا ۶۶/۷۰٪) دارای خانواده ای ۳ تا ۵ نفره هستند. بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می دهد که اکثریت آنان دارای تحصیلاتی در سطح دیپلم (۸۷ یا ۲۶/۹۰٪) و زیردیپلم (راهنمایی تا دبیرستان) (۸۵ یا ۲۶/۲۰٪) هستند. میانگین فاصله محل سکونت پاسخگویان تا نزدیکترین مرکز خدمات کشاورزی ۱۳ کیلومتر با انحراف ۸ کیلومتر است که بیشترین آنها (۱۴۲ یا ۴۳/۸۰٪) در فاصله ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری قرار دارند. سایر نتایج نشان می دهند که اکثریت پاسخگویان، متأهل (۲۴۶ یا ۷۵/۹۰٪)، غیر سرپرست (۳۰۱ یا ۹۲/۹۰٪)، غیر مالک (۲۱۹ یا ۶۷/۶۰٪) و خانه دار (۲۱۰ یا ۶۴/۸۰٪) هستند. در نهایت اینکه بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان از تسهیلات بانکی استفاده نموده اند.

جدول ۱- ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخگویان (n= ۳۲۴)

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن (سال)	-	-	-	۳۳/۹۳	۱۰/۸۴	۱۹	۶۳
تعداد اعضای خانواده (نفر)	-	-	-	۴/۰۰	۱/۷۶	۲	۱۲
فاصله تا مرکز خدمات (کیلومتر)	-	-	-	۱۳/۲۹	۸/۱۶	۱	۳۸
سطح تحصیلات	بی سواد	۱۹	۵/۹۰	-	-	-	-
	ابتدایی	۷۵	۲۳/۱۰				
	زیردیپلم	۸۵	۲۶/۲۰				
	دیپلم	۸۷	۲۶/۹۰				
	کاردانی	۱۳	۴/۰۰				
	کارشناسی و بالاتر	۴۵	۱۳/۹۰				

وضعیت تأهل	متأهل	۲۴۶	۷۵/۹۰	-	-	-	-
	مجرد	۵۷	۱۷/۶۰	-	-	-	-
	بیوه	۲۱	۶/۵۰	-	-	-	-
وضعیت اشتغال	خانه دار	۲۱۰	۶۴/۸۰	-	-	-	-
	غیرکشاورز	۱۰۳	۳۱/۸۰	-	-	-	-
	کشاورز	۱۱	۳/۴۰	-	-	-	-
سرپرست خانوار	بلی	۲۳	۷/۱۰	-	-	-	-
	خیر	۳۰۱	۹۲/۹۰	-	-	-	-
مالکیت زمین	بلی	۱۰۵	۳۲/۴۰	-	-	-	-
	خیر	۲۱۹	۶۷/۶۰	-	-	-	-
استفاده از تسهیلات بانکی	بلی	۲۳۲	۷۱/۶۰	-	-	-	-
	خیر	۹۲	۲۸/۴۰	-	-	-	-

میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی

نتایج جدول شماره (۲) نشان می دهند که میزان دسترسی پاسخگویان به دوره های آموزشی مذهبی ($CV=26/73$)، دوره های آموزشی باغبانی ($CV=28/07$) و دوره های آموزشی صنایع دستی ($CV=29/27$) در بالاترین اولویت میزان دسترسی به خدمات آموزشی قرار گرفته اند. این وضعیت در حالی است که میزان دسترسی به دوره های آموزشی دام و شیلات ($CV=44/80$) و دوره های آموزشی زراعت ($CV=38/05$) در پایین ترین اولویت میزان دسترسی به خدمات آموزشی قرار گرفته اند.

جدول ۲- میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی ($n=324$)

رتبه	درصد ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین [*]	گویه ها
۱	۲۶/۷۳	۱/۰۰	۳/۷۴	دوره های مذهبی
۲	۲۸/۰۷	۰/۸۹	۳/۱۷	دوره های باغبانی
۳	۲۹/۲۷	۰/۸۹	۳/۰۴	دوره های صنایع دستی
۴	۳۴/۴۱	۱/۰۶	۳/۰۸	دوره های ورزشی

دوره های زراعت	۲/۵۲	۰/۹۵	۳۸/۰۵	۵
دوره های دام و شیلات	۲/۰۸	۰/۹۳	۴۴/۸۰	۶

×مقیاس ۱: هیچ ۲: کم ۳: متوسط ۴: زیاد ۵: خیلی زیاد

میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات ترویجی

نتایج جدول شماره (۳) نشان می دهند که میزان دسترسی پاسخگویان به دوره های ترویجی خانه داری ($CV=31/25$)، دوره های ترویجی درباره تأمین بذور مصرفی ($CV=31/54$) و دوره های ترویجی درباره تأمین کودهای کشاورزی ($CV=32/38$) در بالاترین اولویت میزان دسترسی به خدمات ترویجی قرار گرفته اند. این وضعیت در حالی است که میزان دسترسی به دوره های ترویجی درباره ارائه تسهیلات توانمندسازی زنان ($CV=46/51$) و دوره های ترویجی درباره صندوق های اعتباری کوتاه مدت ($CV=43/29$) در پایین ترین اولویت میزان دسترسی به خدمات ترویجی قرار گرفته اند.

جدول ۳- میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات ترویجی (n= ۳۲۴)

رتبه	درصد ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین [×]	گویه ها
۱	۳۱/۲۵	۰/۹۵	۳/۰۴	ارائه برنامه های ترویج خانه داری
۲	۳۱/۵۴	۰/۸۸	۲/۷۹	تأمین بذور مصرفی
۳	۳۲/۳۸	۰/۸۰	۲/۴۷	تأمین کود کشاورزی
۴	۴۰/۵۴	۰/۷۵	۱/۸۵	تأمین ادوات کشاورزی
۵	۴۳/۲۹	۱/۰۱	۲/۳۱	ارائه صندوق اعتباری کوتاه مدت
۶	۴۶/۵۱	۱/۰۰	۲/۱۵	ارائه تسهیلات توانمند سازی زنان

×مقیاس ۱: هیچ ۲: کم ۳: متوسط ۴: زیاد ۵: خیلی زیاد

با توجه به نتایج جدول شماره (۴)، بیشتر پاسخگویان دسترسی متوسطی (۱۱۴ یا ۳۵/۲۰٪) به خدمات آموزشی، دسترسی خوبی به خدمات ترویجی (۱۳۰ یا ۴۰/۱۰٪) و خدمات آموزشی- ترویجی (۱۱۸ یا ۳۶/۵۰٪) دارند.

جدول ۴- طبقه بندی میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی (n= ۳۲۴)

سطوح	متغیرها	دسترسی به خدمات ترویجی		دسترسی به خدمات آموزشی		دسترسی به خدمات آموزشی- ترویجی	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ضعیف		۶۱	۱۸/۸۰	۵۹	۱۸/۲۰	۶۵	۲۰/۱۰
متوسط		۱۱۴	۳۵/۲۰	۹۰	۲۷/۸۰	۱۰۰	۳۰/۸۰
خوب		۹۲	۲۸/۴۰	۱۳۰	۴۰/۱۰	۱۱۸	۳۶/۵۰
عالی		۵۷	۱۷/۶۰	۴۵	۱۳/۸۰	۴۱	۱۲/۷۰

میزان کیفیت خدمات ترویجی از دید پاسخگویان

نتایج جدول شماره (۵) نشان می دهند که میزان مناسب بودن زمان اجرای کلاس های آموزشی- ترویجی (CV=۲۰/۳۷)، کیفیت و محتوای مواد آموزشی (CV=۲۲/۱۳) و جنسیت آموزشگران ترویجی (CV=۲۲/۹۸) در بالاترین اولویت میزان کیفیت خدمات ترویجی قرار گرفته اند. این وضعیت در حالی است که میزان نیازسنجی آموزشی (CV=۲۸/۰۱) و میزان قابل اجرا بودن مطالب کلاس ها (CV=۲۵/۱۸) در پایین ترین اولویت میزان کیفیت خدمات ترویجی قرار گرفته اند.

جدول ۵- میزان کیفیت خدمات ترویجی از دید پاسخگویان (n= ۳۲۴)

رتبه	میانگین*	انحراف معیار	درصد ضریب تغییرات	گویه ها
۱	۳/۷۲۰	۰/۷۷	۲۰/۳۷	مناسب بودن زمان اجرای کلاس
۲	۳/۹۳	۰/۸۷	۲۲/۱۳	کیفیت و محتوای مواد آموزشی
۳	۳/۴۷	۰/۸۰	۲۲/۹۸	جنسیت آموزشگر ترویج
۴	۳/۶۹	۰/۸۸	۲۳/۸۴	استفاده از تکنولوژی روز
۵	۳/۷۴	۰/۹۰	۲۴/۶۰	مدت برگزاری کلاس
۶	۳/ ۶۷	۰/۹۵	۲۵/۱۸	قابل اجرا بودن مطالب کلاس ها
۷	۳/ ۳۲	۰/۹۳	۲۸/۰۱	نیازسنجی آموزشی

*مقیاس ۱: هیچ ۲: کم ۳: متوسط ۴: زیاد ۵: خیلی زیاد

موانع و مشکلات پاسخگویان در دسترسی به خدمات آموزشی- ترویج کشاورزی

نتایج جدول شماره (۶) نشان می دهند که کمبود انگیزه برای شرکت در دوره های آموزشی- ترویجی ($CV=22/91$)، خانه داری و بچه داری ($CV=23/02$) و حجم بالای کارها ($CV=24/58$) در بالاترین اولویت میزان موانع و مشکلات دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی قرار گرفته اند. این وضعیت در حالی است که مخالفت پدر و یا همسر ($CV=40/15$) و تبعیض جنسیتی ($CV=38/34$) در پایین ترین اولویت میزان موانع و مشکلات دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی قرار گرفته اند.

جدول ۶- موانع و مشکلات پاسخگویان در دسترسی به خدمات ترویج کشاورزی ($n=324$)

رتبه	درصد ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	گویه ها
۱	۲۲/۹۱	۰/۷۷	۳/۳۶	کمبود انگیزه فعالیت
۲	۲۳/۰۲	۰/۸۴	۳/۶۳	خانه داری و بچه داری
۳	۲۴/۵۸	۰/۸۹	۳/۶۱	حجم بالای کار
۴	۲۴/۷۲	۰/۹۳	۳/۶۸	پایین بودن سطح سواد
۷	۲۶/۴۷	۰/۸۵	۳/۲۲	مرد بودن مروجان
۸	۲۸/۹۲	۰/۹۴	۳/۲۵	عدم مشارکت در برنامه ریزی
۹	۲۹/۱۵	۰/۹۳	۳/۱۹	کمبود اعتماد به نفس
۱۰	۲۹/۲۸	۰/۹۴	۳/۲۱	کاربردی نبودن کلاس ها
۱۱	۲۹/۷۷	۱/۰۶	۳/۵۶	دور بودن راه
۱۲	۳۳/۳۳	۰/۹۳	۲/۸۵	نگرش منفی به توانایی زنان
۱۳	۳۵/۲۱	۱	۲/۸۴	ساختار سنتی روستا
۱۴	۳۸/۳۴	۱/۰۲	۲/۶۶	تبعیض جنسیتی
۱۵	۴۰/۱۵	۱/۰۶	۲/۶۴	مخالفت پدر یا همسر

*مقیاس ۱: هیچ ۲: کم ۳: متوسط ۴: زیاد ۵: خیلی زیاد

رابطه بین سایر متغیرهای تحقیق و میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی بررسی ضرایب همبستگی نشان می دهد که رابطه میان میزان ویژگی های روانشناختی ($r=0/236$ و $P>0/05$) و سن ($r=-0/039$ و $P>0/05$) پاسخگویان با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویج معنی دار نیست.

بنابراین می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد، قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویج هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۷). قابل ذکر است که برای توصیف میزان همبستگی از الگوی دیویس (درویش نیا و صدیقی، ۱۳۸۲) استفاده شده است. این الگو به شرح ذیل می‌باشد: ۰/۰۸ و پایین‌تر= بدون ارتباط؛ ۰/۰۱ تا ۰/۰۹= ارتباط ناچیز؛ ۰/۱ تا ۰/۲۹= ارتباط ضعیف؛ ۰/۳ تا ۰/۴۹= ارتباط متوسط؛ ۰/۵ تا ۰/۶۹= ارتباط نسبتاً قوی؛ ۰/۷ و بالاتر= ارتباط خیلی قوی.

ضرایب همبستگی محاسبه شده برای متغیرهای میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی ($r=0/114$) و میزان مشارکت اجتماعی ($P \leq 0/01$ و $r=0/489$)، میزان کیفیت خدمات آموزشی- ترویجی ($P \leq 0/01$ و $r=0/238$)، میزان نگرش نسبت به خدمات آموزشی- ترویجی ($P \leq 0/01$ و $r=0/368$) و تحصیلات ($P \leq 0/01$ و $r_s=0/175$) با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویجی نشان می‌دهند که بین متغیرهای مذکور با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویجی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و این روابط با توجه به الگوی دیویس در سطوح ضعیف، متوسط، متوسط، متوسط و ضعیف گزارش می‌شوند.

ضرایب همبستگی پیرسون محاسبه شده برای متغیرهای تعداد اعضای خانواده ($r=-0/132$ و $P \leq 0/05$) و فاصله محل سکونت تا نزدیکترین مرکز خدمات کشاورزی ($r=-0/470$ و $P \leq 0/01$) با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویجی نشان می‌دهند که بین متغیرهای مذکور با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویجی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و این روابط با توجه به الگوی دیویس در سطوح ضعیف، متوسط گزارش می‌شوند.

جدول ۷- همبستگی بین سایر متغیرهای تحقیق و میزان دسترسی به خدمات آموزشی- ترویجی ($n=324$)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	سطح (۰/۰۱)	سطح (۰/۰۵)	شدت همبستگی
میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی	*0/114	0/020	-	وجود همبستگی	ضعیف
میزان مشارکت اجتماعی	**0/489	0/000	وجود همبستگی	-	متوسط
میزان ویژگی های روانشناختی	0/236	0/000	وجود همبستگی	-	ضعیف
میزان کیفیت خدمات آموزشی- ترویجی	**0/238	0/000	وجود همبستگی	-	متوسط
میزان نگرش نسبت به خدمات ترویجی	**0/368	0/000	وجود همبستگی	-	متوسط
سن	-0/039	0/480	-	-	-

سطح تحصیلات	۰/۱۷۵**	۰/۰۰۲	وجود همبستگی	-	ضعیف
تعداد اعضای خانوار	-۰/۱۳۲*	۰/۰۱۸	-	وجود همبستگی	ضعیف
فاصله محل سکونت تا مرکز خدمات	-۰/۴۷۰**	۰/۰۰۰	وجود همبستگی	-	متوسط

*P ≤ 0.05

**P ≤ 0.01

نتایج حاصل از آزمون تی استیودنت نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین پاسخگویان مالک و غیرمالک زمین ($P > ۰/۰۵$ و $t = ۱/۵۲$) و پاسخگویانی که از تسهیلات بانکی استفاده کرده و نکرده اند ($P > ۰/۰۵$ و $t = ۲/۰۳$) در ارتباط با میزان استفاده آنان از خدمات آموزشی- ترویجی وجود ندارد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و میزان دسترسی به خدمات آموزشی- ترویجی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۸).

جدول ۸- بررسی میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی در رابطه با مالکیت زمین و استفاده از تسهیلات بانکی ($n=۳۲۴$)

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	میانگین	آزمون t	سطح معنی داری
مالکیت زمین	بلی	۱۰۵	۳۳/۱۲	۱/۵۲	۰/۹۷۳
	خیر	۲۰۹	۳۲/۰۱		
استفاده از تسهیلات بانکی	بلی	۲۳۲	۳۲/۸۱	۲/۰۳	۰/۰۴۴
	خیر	۹۲	۳۱/۲۸		

نتایج حاصل از آزمون فیشر نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی در ارتباط با وضعیت تأهل ($P > ۰/۰۵$ و $F = ۲/۰۲۶$) و وضعیت شغلی ($P > ۰/۰۵$ و $F = ۰/۸۸۲$) وجود ندارد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و میزان دسترسی به خدمات آموزشی- ترویجی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۹).

جدول ۹- بررسی میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی در رابطه با وضعیت تأهل و شغلی ($n=۳۲۴$)

متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
وضعیت تأهل بین گروه‌ها	۱۵۱/۳۵۹	۲	۷۵/۶۷۹	۲/۰۲۶	۰/۱۴۴

۳۷/۳۵۴	۳۲۱	۱۱۹۹۰/۷۰۳	میان گروه ها
	۳۲۳	۱۲۱۴۲/۰۶۲	جمع
۳۳/۱۷۶	۳	۶۶/۳۵۱	بین گروه ها
۰/۴۱۵	۳۲۱	۱۲۰۷۵/۷۱۰	وضعیت شغلی میان گروه ها
۰/۸۸۲	۳۲۴	۱۲۱۴۲/۰۶۲	جمع

مدل پیش‌بینی‌کننده میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی - ترویجی

در این تحقیق، برای پیش‌بینی میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی - ترویجی از رگرسیون چندگانه به روش رگرسیون گام‌به‌گام با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. شایان توجه است که رگرسیون چندگانه با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر مستقل به پیشگویی متغیر وابسته می‌پردازد. روش گام‌به‌گام روشی است که در آن قوی‌ترین متغیرها یک‌به‌یک وارد معادله می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معنی‌داری به پنج درصد برسد. پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنی‌دار، تنها متغیرهای "میزان مشارکت اجتماعی، میزان نگرش نسبت به خدمات آموزشی - ترویجی، سطح تحصیلات، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و تعداد اعضای خانواده" در معادله باقی ماندند. این متغیرها توانایی تبیین ۳۴/۸۰ درصد از تغییرات متغیر میزان دسترسی به خدمات آموزشی - ترویجی را دارا می‌باشند. از طرفی، با بررسی ضرایب استاندارد شده (β) مشخص گردید که میزان مشارکت اجتماعی نسبت به سایر عوامل، سهم و نقش بیشتری در تبیین میزان دسترسی به خدمات آموزشی - ترویجی را دارد.

جدول ۱۰- ضرایب رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام - متغیر وابسته: میزان دسترسی به خدمات آموزشی - ترویجی (n=۳۲۴)

متغیرهای مستقل	B	Beta	t	Sig
عدد ثابت	۱۱/۹۹۴	-	۸/۴۹۸	۰/۰۰۰
میزان مشارکت اجتماعی (X _۱)	۰/۴۸۳	۰/۴۴۰	۸/۹۷۰	۰/۰۰۰
میزان نگرش نسبت به خدمات آموزشی - ترویجی (X _۲)	۱/۱۴۰	۰/۲۵۹	۵/۲۶۰	۰/۰۰۰
سطح تحصیلات (X _۳)	۰/۸۳۵	۰/۱۹۲	۳/۷۷۸	۰/۰۰۰
میزان استفاده رسانه‌های ارتباط جمعی (X _۴)	-۰/۳۷۰	-۰/۱۹۸	-۳/۹۳۲	۰/۰۰۰
تعداد اعضای خانوار (X _۵)	-۰/۳۴۵	-۰/۰۹۹	-۲/۰۴۸	۰/۰۴۱
	F= ۳۳/۹۴۶	R ² =۰/۳۴۸	R=۰/۵۹۰	P=۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت دسترسی زنان روستایی به خدمات آموزشی- ترویجی این تحقیق با هدف کلی شناسایی عوامل مؤثر بر دسترسی زنان روستایی استان گلستان به خدمات آموزشی- ترویجی به مرحله تدوین و اجرا درآمد. نتایج تحقیق نشان دادند که بیشتر پاسخگویان دسترسی متوسطی (۱۱۴ یا ۳۵/۲۰٪) به خدمات آموزشی داشتند. همچنین، بیشتر میزان دسترسی پاسخگویان به دوره های آموزشی مذهبی، باغبانی و صنایع دستی است. دیگر نتایج تحقیق نشان دادند که بیشتر پاسخگویان دسترسی خوبی به خدمات ترویجی (۱۳۰ یا ۴۰/۱۰٪) دارند. همچنین، بیشتر میزان دسترسی پاسخگویان به دوره های ترویجی خانه داری، دوره های ترویجی درباره تأمین بذور مصرفی و تأمین کودهای کشاورزی است. بررسی میزان کیفیت خدمات آموزشی- ترویجی ارائه شده نشان داد که بیشترین میزان رضایتمندی پاسخگویان از میزان مناسب بودن زمان اجرای کلاس های آموزشی- ترویجی، محتوای مواد آموزشی و جنسیت آموزشگران ترویجی است. از طرفی، کمبود انگیزه برای شرکت در دوره های آموزشی- ترویجی، خانه داری و بچه داری و حجم بالای کارها مهمترین مسائل و مشکلات پاسخگویان برای شرکت در دوره های آموزشی- ترویجی برگزار شده بود.

بررسی ضرایب همبستگی نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری بین میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی مانند تلفن همراه، تلویزیون، روزنامه و مجلات (موافق یافته های منفرد، ۱۳۷۴؛ حسینی و همکاران، ۲۰۰۳)، میزان مشارکت اجتماعی مانند همکاری در مساجد و ستادهای انتخاباتی (موافق یافته های شعبانعلی فمی، ۱۳۷۲؛ بدرقه و عابدی، ۲۰۱۱؛ روزی طلب، ۱۳۷۶؛ اسماعیل، ۱۹۹۵؛ حسینی و همکاران، ۲۰۰۳؛ صدف و همکاران، ۲۰۰۵؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱)، میزان کیفیت خدمات آموزشی- ترویجی (موافق یافته های منفرد، ۱۳۷۴؛ روزی طلب، ۱۳۷۶؛ گل محمدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ صدف و همکاران، ۲۰۰۵؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱؛ غفاری، ۲۰۰۵، میزان نگرش نسبت به خدمات آموزشی- ترویجی (موافق یافته های شعبانعلی فمی، ۱۳۷۲؛ بامبرگر و بلاکدن، ۱۹۹۸؛ گریگوری بوث و همکاران، ۲۰۰۰؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱؛ جیگانز و سامانتا، ۲۰۰۰) و سطح تحصیلات (موافق یافته های بامبرگر و بلاکدن، ۱۹۹۸؛ شعبانعلی فمی، ۲۰۰۶؛ بدرقه و عابدی، ۲۰۱۱؛ آمتا و همکاران، ۲۰۱۱؛ غفاری، ۲۰۰۵) پاسخگویان با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویجی وجود دارد. بدین ترتیب که با افزایش و یا کاهش یک متغیر، متغیر دیگر نیز افزایش و یا کاهش می یابد. از طرفی، رابطه منفی و معنی داری بین تعداد اعضای خانواده (موافق یافته های اسماعیل، ۱۹۹۵؛ بامبرگر و بلاکدن، ۱۹۹۸؛ شعبانعلی فمی، ۲۰۰۶؛ بدرقه و عابدی، ۲۰۱۱) و فاصله محل سکونت پاسخگویان تا نزدیکترین مرکز خدمات کشاورزی با میزان دسترسی آنان به خدمات آموزشی- ترویجی بدست آمد. بدین ترتیب که با افزایش و یا

کاهش یک متغیر، متغیر دیگر نیز کاهش و یا افزایش می یابد. همچنین، نتایج حاصل از آزمون های مقایسه میانگین ها نیز نشان دادند که تفاوت معنی داری بین میزان دسترسی پاسخگویان به خدمات آموزشی- ترویجی در ارتباط با وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، وضعیت مالکیت زمین و استفاده از تسهیلات بانکی وجود ندارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان دادند که متغیرهای "میزان مشارکت اجتماعی، میزان نگرش نسبت به خدمات آموزشی- ترویجی، سطح تحصیلات، میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و تعداد اعضای خانواده" توانایی تبیین ۳۴/۸۰ درصد از تغییرات متغیر میزان دسترسی به خدمات آموزشی- ترویجی را دارا می باشند. از طرفی، با بررسی ضرایب استاندارد شده (β) مشخص گردید که میزان مشارکت اجتماعی نسبت به سایر عوامل، سهم و نقش بیشتری در تبیین میزان دسترسی به خدمات آموزشی- ترویجی را دارد. در پایان با توجه به یافته های تحقیق توصیه می گردد که:

- عاملین ترویج می توانند با برقراری ارتباط بیشتر با مسجد و پیوند فعالیت های این دو، هم محیط مناسبی برای فعالیت بیشتر در زمینه ارتقاء دانش زنان روستایی ایجاد کنند و هم از مسجد به عنوان پایگاه فعالیت استفاده کنند.
- عاملین ترویج می توانند روحیه مشارکت زنان روستایی را با جایگزین نمودن آموزش گروهی به جای آموزش فردی پرورش داده و با ایجاد رقابت سالم دامنه فعالیت خود را گسترده تر کنند.
- عاملین ترویج می تواند با ارائه برنامه های فراگیر محور مبنا را بر اطلاعات اولیه و دانش بومی زنان روستایی قرار دهند و بدین ترتیب، ضمن تشویق زنان روستایی برای ایجاد ارتباط بین دانش بومی با علم روز، روحیه و انگیزه خوداتکایی آنان را بالا ببرند.
- آموزش و پرورش و به خصوص کلاس های نهضت سواد آموزی نقش بسزایی در کاهش بی سوادی زنان روستایی دارند. مقتضی است عاملین ترویج با ادامه این راه و انتقال دانش و تکنولوژی روز به آنان با بالا بردن دانش آنها زمینه ساز توسعه همه جانبه روستا باشند. لذا توصیه می گردد کلاس های آموزشی- ترویجی در گروه های مجرا برای افراد با هر سطح تحصیلات برگزار گردد.
- به دلیل استفاده زیاد زنان روستایی از تلفن همراه، می توان پیام های ترویجی یا نکات کوچک آموزشی را به صورت پیامک های گسترده در اختیار آنان قرار داد. همچنین ارائه اطلاعات به صورت تلفن گویا در مورد تازه های ترویج و تکنولوژی امکان پذیر می باشد
- تولید برنامه های تلویزیونی با جذابیت بالا و خروج از کلیشه های موجود در مورد آبادی با رعایت زمان مناسب پخش و همچنین مختصر و مفید بودن اطلاعات برای زنان روستایی کارساز به نظر می رسد.

منابع مورد استفاده

- ۱- ارجلو، ص. (۱۳۸۴). بررسی میزان آگاهی زنان روستایی شهرستان اصفهان از حقوق خود، عوامل مؤثر بر آن و ارزیابی تأثیر این آگاهی در مشارکت آنها در تصمیم گیری. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۲- بوذری، س. (۱۳۸۰). رهیافت های مشارکت زنان روستایی در توسعه. مجله سپهر، شماره ۴۰. ص: ۵.
- ۳- جمشیدی، م. (۱۳۸۱). پیامدهای توسعه برای زنان مطالعه موردی شهرستان اقلید. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- ۴- روزی طلب، ن. (۱۳۷۶). تازه ترین آمار از میزان مشارکت زنان در اقتصاد روستایی. روزنامه ایران، سال سوم، شماره ۷۹۵. ص: ۱۳.
- ۵- شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۷۲). توانایی زنان روستایی منتخب شهرستان تفرش جهت بهره گیری از منابع توسعه بر اساس معیارهای یونیسف، چاپ اول. تهران: انتشارات مؤسسه روستا و توسعه.
- ۶- عمادی، م. ح. و عباسی، الف. (۱۳۸۵). حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ۷- گل محمدی، ف.، معتمد، م. ک. و بینا، غ. (۱۳۸۷). ارزیابی برنامه های آموزشی ترویجی در ارتباط با زنان روستایی. چکیده مقالات همایش ملی توسعه پایدار روستایی با تأکید بر بخش روستایی.
- ۸- منفرد، ن. (۱۳۷۴). سازه های مؤثر بر پذیرش تکنولوژی در زراعت برنج و تأثیر آن بر زنان شالیکار در استان های مازندران و فارس. پایان نامه کارشناسی ارشد بخش ترویج کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- 9-Badragheh, A. & Abedi, M. (2011). Rural women participation in extention activities. Journal of American science, 7 (5).
- 10-Bamberger, M. & Blukden, M. (1996). The word bank participation source. Appendix The word bank Washengton.D.C.
- 11-Dunn, d. & Murry, M. (1999). Development and the doubly disadvantaged gender inequality in the Scheduled Castes. Working paper 226.
- 12-Esmail, M. (1995). Roles of progressive Malaysian farmers in rural development, Pertanika. J. Soc. Sci. & Hum., 3 (1): 11-19.
- 13-Ghaffari, Gh. (2005). The role of women and social development. Women's Magazine, 10: p. 15.
- 14-Gregory Booth, J., Jose, P. & Orotias, M. (1999). The economic role of women in agricultural and rural development, promoting income generating activity. Technical Center for Agricultural and Rural Cooperation (C T A).

- 15-Ferdoushi, A., Chamhuri, S. & Nor-Aini, H. I. (2011). The status of women: Some data in Bangladesh. *Journal of Applied Sciences Research*, 7 (6): 805-809.
- 16-Hosseini, S. J., Mirdamadi, S. M. & Hajihosseini, G. R. (2009). Extention and education factors influencing the success of intreprenurship among rural women in Northern Iran. *Research Jornal of Biological Sciences*, 4 (9): 967-973.
- 17-Karbasioun, M., Biemans, H. & Mulder, M. (2007). Supporting role of the agricultural extension services and implications for agricultural extension instructors as perceived by farmers in Esfahan, Iran. *Education and Competence Studies Wageningen University*.
- 18-Krejcie, R. V. & Morgan, D. V. (1970). Deteminig sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30: 608
- 19-Jiggins, J., Samanta, .R. K. & Olawoye, .J. (1998). Improving women farmers access to extention services. *FAO*.
- 20-Sadaf, S., Muhammad, S. & Elahi Lodhi, T. (2005). Need for agricultural extension services for rural women in Tehsil Faisalabad,Pakistan, *Journal of Agriculture and Social Sciences*, 3 (1): 248-251.
- 21-Sha;ban-Ali Fami, H. (2006). Relationship between different characteristics of rural women with their participation in mixed farming activities. *J. Agric. Sci. Technol*, 8: 107-117.
- 22-Umeta, G., Lemecha, F. & Mume, T. (2011). Survey on women access to agricultural extension services at selected districts of Mid Rift Valley of Ethiopia. *Journal of Agricultural Extension and Rural Development*, 3 (3): 51-63.